



# ایستاده با قرآن

## سرمقاله



تابستان دو سال پیش، وقتی عمل شنیع قرآن سوزی در کشور سوئد رخ داد، شهید سید حسن نصر الله، دبیرکل فقید حزب الله لبنان، در واکنش به این رخداد از دست داشتن موساد در این اتفاق گفت و دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی را پشت پرده این ماجرا معرفی کرد. در کودتای دی ماه، یکی از اهداف مورد حمله آشوبگران مساجد بود. ده‌ها مسجد مورد حمله واقع شد و هزاران جلد قرآن در آتش سوخت. کودتایی که سیاه و موساد در طراحی آن نقش اساسی داشتند و دستور به آتش کشیدن مساجد و قرآن‌ها از کینه عمیق و مزمن آنها نسبت به کلام خدا نشئت می‌گرفت.

این حقد و کینه البته عجیب و غیرمنتظره نبود و نیست. قرآن تا وقتی فقط در مساجد باشد و صرفاً برای مجالس ترحیم یا فقط برای خواندن از آن استفاده شود، برای استکبار و جنایتکاران جهانی خطر خاصی ندارد و از آن ترس و واهمه‌ای ندارند. خطر برای آنها آنجاست که قرار باشد آموزه‌های قرآن مورد توجه عملی نیز قرار بگیرد و در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به آنها عمل شود.

کلام خدا سراسر درس ایستادگی و مقاومت و زندگی است. کدامین داستان جز تقابل حضرت موسی علیه السلام و فرعون در قرآن می‌تواند راه مواجهه با قلدری‌ها و تهدیدات امروز آمریکا را نشان دهد؛ «حضرت موسی یک جای دیگر - مکرر البته در قرآن هست، حالا یک جای دیگرش را من عرض میکنم - وقتی که کارشان به معارضه و رودررویی علی افتاد و بنی اسرائیل را جمع کرد که سحر، [یعنی] صبحگاه خیلی زود یا نیمه شب، حرکت کردند به بیرون شهر که فرار کنند و بروند و از دست فرعون خلاص بشوند، صبح که شد و یک مقداری روز بالا آمد، جاسوسهای فرعون خبر دادند که بنی اسرائیل شهر را خالی کرده‌اند و همه رفته‌اند؛ فرعون دستپاچه شد که اینها حالا میروند یک جای دیگر و یک هسته‌ای درست میکنند؛ گفت جمع بشوید. لشکر را جمع کردند و پشت سر اینها راه افتادند؛ حالا چقدر فاصله شده من نمیدانم، شاید یک روز یا دو روز یا کمتر یا بیشتر فاصله شده که این لشکر راه افتاده است. خب، آنها پیاده داشتند بدون تجهیزات می‌رفتند - یک مشت مردم بودند؛ زن، مرد، بچه - [اما] اینها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه چیز؛ طبعاً زود به آنها میرسیدند؛ به آنها [هم] رسیدند. اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید؛ دستپاچه شدند. در قرآن - سوره‌ی شعرا - میفرماید که «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ»، وقتی که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو می‌رفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این قدر به هم نزدیک شدند که میتوانستند یکدیگر را ببینند، قال اصحاب موسی: اِنَّا لَمُدْرِكُونَ؛ بنی اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند که یا موسی! الان به ما میرسند؛ «مُدْرِكُونَ» یعنی الان آنها میرسند، ما را میگیرند و قتل عام میکنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت: قال کَلَّا، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ اِنَّ مَعِيَ رَبِّي؛ معیت این است. [گفت] خدا با من است، پروردگار من با من است؛ کَلَّا اِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَیَهْدِیَن. ببینید! معیت الهی این قدر اهمیت دارد. اینکه میگویند: اِنَّ اللهَ مَعَ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا وَالَّذِیْنَ هُمْ مُحْسِنُونَ، این معیت را باید قدر دانست. اگر من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد.» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳)

همین کتاب نورانی و رهنمودهای آن است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران را در ۴۷ سال گذشته نسبت به تهدیدات و زورگویی‌ها و باج‌خواهی‌های دشمن تعیین کرده است. پس عجیب نیست که دشمنان ایران این چنین نسبت به قرآن کینه داشته باشند. آنان به خوبی می‌دانند که ایران تنها کشور دنیاست که بر سر اصول قرآنی ایستاده و بر همین مبنا مانع از به ثمر رسیدن بسیاری از طرح‌های خیانت‌آلود صهیونیسم در منطقه و فراتر از منطقه بوده و هست.

رهنمودهای عمیق قرآن است که مانع می‌شود تا ایران نه فریب وعده‌های فریبنده دشمن را بخورد و نه از ساز و برگ نظامی و تهدیدات و لفاظی‌های آن هراسی داشته باشد. این روزها و در آغاز مهمانی خدا که بهار قرآن است و در حالی که دشمن می‌کوشد با انواع و اقسام ترفندها جامعه را دچار هراس و اشتباه محاسباتی و ناامیدی کند، فرصت مناسبی است تا با رجوع و استمداد از کلام وحی، دل‌ها آرام گیرد و بار دیگر به خود و دیگران یادآوری کنیم که دشمنان با همه ابهت و عظمتی که برای خود ساخته و نمایش می‌دهند، در برابر قدرت الهی هیچ و کمتر از هیچ‌اند و دست خداوند یار و یاور مؤمنین و صابریان است. ■

الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به اذن الهی ان شاء الله، با همه دشمنانی که با این ملت و مردم دشمنی دارند و قصد دارند نام اسلام و صدای مظلومان



بازی خوانی

## برنامه‌ریزی با قطب‌نمای بصیرت

اگر قبول داریم که جبهه‌ی دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. نمی‌شود قبول کرد که جبهه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که به شدت از ناحیه‌ی بیداری اسلامی تهدید می‌شوند، برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند، مگر خیلی ساده لوح باشیم، غافل باشیم که این را باور کنیم. حتماً برنامه‌های بلندمدت دارند؛ کم‌اینکه همین حوادثی هم که گاهی می‌بینید در کشور اتفاق می‌افتد که دست بیگانه در آن نمایان است، چیزهای دفعتاً به وجود آمده نیست، خلق الساعه نیست؛ اینها هم برنامه‌های میان مدت و بلندمدت بوده است. برنامه‌ریزی کردند، که خوب، بحمدلله شکست خوردند، باید هم شکست می‌خوردند. پس جبهه‌ی دشمن برنامه‌ی بلندمدت دارد. آنها مأیوس نمی‌شوند که ببینند حالا امروز شکست خوردند، دست بردارند؛ نه، طراحی میکنند برای ده سال دیگر، بیست سال دیگر، چهل سال دیگر. باید آماده باشید. ما باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. چیزی که زمینه‌ی اساسی برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هست که این را من بارها تذکر دادم، مسئله‌ی بصیرت یا فتن است... بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است و راه را به ما نشان میدهد. ۱۳۸۹/۰۸/۰۴

قاب

## جزه خوانی دهه نودی‌ها

مراسم جزه خوانی قرآن کریم در ماه مبارک رمضان در سرتاسر کشور با حضور سنین مختلف مردم، از جمله دهه نودی‌ها قابل توجه است. در مراسمهای امسال یادبود شهدا به صورت پررنگ‌تری جلوه دارد.



گفتگو: آناه‌مازانه‌زومی / دولت آید اصفهان

فرزند ایران

## مدیریت یک مأموریت جاودانه

محمدعلی دوساله، کنار مزار پدر نشسته و با سنگ‌ریزه‌ها بازی می‌کند. مادر، پسرش را نوازش می‌کند و می‌گوید: «همسرم اسلام احمدی علیایی ۴۶ سال داشت. قم به دنیا آمده بود، اما از هفت سالگی ساکن ملارد شدند. سال ۷۶ در رشته‌ی زمین‌شناسی دانشگاه سراسری تبریز پذیرفته شد. دوران دانشجویی عضو تشکل دانشجویی جامعه اسلامی بود. از نظر علمی و درسی جزو دانشجویان ممتاز دانشکده محسوب می‌شد. سال ۷۹ برای سربازی به اهواز رفت. بعد از پایان خدمت، به استخدام سپاه درآمد. سال ۹۰ ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین پذیرفته شد.» زن دستش را روی مزار می‌گذارد و چند لحظه چشمانش را می‌بندد: «همسرم خیلی مقید به نماز اول وقت بود. به لقمه‌ی حلال اهمیت زیادی می‌داد. اراده و پشتکار قوی داشت. ۲۲ سال با هم زندگی کردیم. خیلی مهربان بود و در کارهای خانه کمک می‌کرد. اهل اسراف نبود و ساده‌زیستی را ترجیح می‌داد. عاشق مقام معظم رهبری بود. به پسر و دخترم می‌گفت همیشه گوش به فرمان آقا باشید. به پسرمان می‌گفت وقتی بزرگ شدی، با هم می‌رویم با اسرائیل می‌جنگیم. دوم تیر، موشکی به ساختمان بسج مستضعفین خورد. همسرم به شهادت رسید و در ملارد به خاک سپرده شد.»

سیده اعظم الشریعه موسوی